

← نوع پنجم و پنجم : در عصر و اضطرار

عصر یا قصر اشبات حکم است بر کسی که در وقت آن از غیر از او در دو نوع قصر بگوید و هر دو قصر صحیح است و قصر صحیح است بر هر کس که در وقت آن یا کجای آن قسم کند و قصر صحیح است بر هر کس که در وقت آن در قرآن نیت کند. البته صورت صحیح آن است که در آن استعمال شده است:

- ✓ ^{عصر} یا ^{قصر} ^{عصر} ^{قصر} * → یعنی در دو صورت محمد به رسالت انعام شده و اشاره به سبکی نبودن از قول است
- و استعمال قصر صحیح در صورت صحیح است، مانند:
- ✓ لا اله الا الله *

در صورت کجایی: ✓ قل لا اجد نیامی الا نحواً علی طاعم بطعمه الا ان یلین سینه ... *
قرن رد و هندیست یا کفار بوده نه اثبات جلال و عظام
ادام قصر:

۱. قصر افراد: خطاب به کسی است که معتقد به شرک است. ✓ انما عوالم واحد *
۲. قصر عسب: خطاب به کسی است که حکم را بر کسی غیر از کسی که تسلیم بر آن اشبات کرده می دانند.

- ✓ ای ایها الذین یحییون الموتی * خطاب به منافقین در حدیث راجع به اوست
- ✓ ای ایها الذین یحییون الموتی * خطاب به پیغمبر است که در حدیث آمده است
- ✓ ای ایها الذین یحییون الموتی * خطاب به پیغمبر است که در حدیث آمده است
- ۳. قصر عسب: خطاب به کسی است که بر او امر نازل نشده است.

اسماء صغری

۱. نفی دانستنی: نمی بود، لایا، و غیره دانستنی با الا یا غیر...

✓ لا اله الا الله... * ✓ و ما من الیه الا ان... * ✓ ما قلت لکم الا ما امرت به * *

مع دانستنی موعظ باید به سستی منه موقر توجه شود که عاقل باشد و در حسن سانسب سستی باشد.

→ لاهل به طار کردن این سخن زوال است به خاطر جاهل چه علم باشد. ✓ ما نجد الا رسول * ✓ جاهل نبودند ولی انبیاء

کردن پیامبر را عقیدتی دانستند مثل جاهل به سستی پیامبر

۲. انما: جمود معنوی به افاد. هر از آن هستند که معنی به سنخون و معنی به نهادم آن مستعدند.

۱. در آیه: ✓ انما قرم حکیم المیتة * وجود قرانت دگری که دلالت بر جهل کند و اصل و سبب

بودن معنای در قرانت است: ✓ ما قرم حکیم الا المیتة *

۲. استی ان برای اثبات دعا برای نفی است → استیصال فازانده است نه نماند

۳. استی ان برای تاسیر و مانع همیذ هر س در تاسیر لغاد جهل کند. → استیصال این زندا لغام هر اید

لغاد جهل کند.

۴. استعمال خداوند در آیات: ✓ قال انما العلم عندا... * ✓ انما یا تسلیم به ا... *

✓ قل انما علمها عند ربی * ✓ و ان تولوا فانما علیک البلاغ * ✓ انما السبیل علی الذین یظلمون انما

✓ قل انما اسبغ ما یوحی الی من ربی * ✓ انما السبیل علی الذین یستذنبون و یم اعصاب *

که معنای این آیات هر با در نظر گرفتن حصر درین سبت.

→ بهترین موارد طار در انما تکریر است: ✓ انما یتذکر اولوا الالباب *

۳. آنها : استدلال بر سر خود خدا؛ که نقل آنها یعنی این آنها حکم الله واحد *

۵. عطف به لا و بل : اصل بیان در آن اضطرار ندارد ولی شیخ بهاء الدین در عمود الافراح گفته به ذکر ندارد و تنها نقلی داشته است و صحت نامش را نمی کند.

۴. عدم داشتن معمول : که ایام نصد و ایام نسفین * که ایامی است... کثرت *

۶. صحیح فصل : که فاء... حوالی * که اولی بهم العطفون * که این خدا که القاصص نقلی *
که این متن است که حوالی * - سهگی گفته فقط در حال از صحیح فصل استعاده شده، نه آن یعنی به شیخ حوالی

در عمود الافراح : از آیه که فلما توفیتی لیت انت الاربیب علیهم * دلالت صحیح فصل بر هصر استاده می شود
زیرا اگر بگوییم هصر نبود آوردن صحیح فصل در اینجا مناسب نیست - زیرا خداوند پیوسته است (در است) آنها بوده و بعد از بالا از آن حضرت علی فقط او
در آیه که لا استوی اصحاب النار و اصحاب الجنة اصحاب الجنة بهم العارفون *

۷. عدم معمول استدلاله :

۱. استدلاله معرّفه و مستند است باشد که برای تخصیص می آید. پس اگر منظور از آن قصر افراد باشد
با جمله «جمل» و مانند آن تا آمدی نزد و اگر مقصود قصر است باشد با جمله «لا غیر» و مانند آن.

که بل انتم بهدیتکم لخرجون * که لا تکلمکم کن علیکم *
نظر سلیمان بن خوشی که خودش از حدیث آنان بوده
چون کسی آنها را نمی شناسد.

*** شیخ بهاء الدین گفته : کلمه نیز برای توفیق و تسامح می آید نه برای تخصیص که جز با بیان صلا
نه اثبات خوشی که آنها
شأنه می شود.

۲. سنده سنی و سنده اهل بیت: کلماتی که در حدیث و روای رسیده.

✓ کلمه لا اله الا الله *

۳. سنده اهل نزه و سنده اهل بیت باشد: کلماتی که در احادیث اهل بیت و روای رسیده.

✓ در حدیث جایی که ... یعنی یک موردی که در حدیث آمده.

۴. آنکه قبل از سنده اهل بیت حرفی نباشد: کلماتی که در حدیث رسیده.

✓ و یا است علیها بقره * (بقره یعنی گفتند) تو نزد ما غریبی نداری (کلمه طایفه تو غریب دارد)

۸. مقدم داشتن سند: مقدم داشتن آنچه به آن میفرستد (مقدمه) اختصاصی الی رسیده.

۹. ذکر سنده اهل بیت: ✓ ... سنده اهل بیت * ✓ ... نزل احسن الودیع *

و مکمل است که در اینجا مقدم آوردن
صبر در رسیده باشد. ✓ ... نزل الودیع و علم الهدی السبیل *

۱۰. معروف آوردن هر دو جمله: اما فخر الدین در هجرت الایمان لیسنه به صبر را بطور حقیقت یا با کلمه می رساند.

✓ الحمد ... * ✓ انا ... * → زینت علی در امر از انزل لیسنه.

۱۱. جاء زيدا نفسه . ۱

۱۲. ان زيدا قائم . ۱

۱۳. زيد لقا قائم او قاعد ؟ قائم

۳. بنای سبب

۱۴. قلب بعضی از حرف طه : ✓ والذین اجتنبوا الطغوت ان یعبدها * ایستغنه دارد و نام اندازی با مصدر - قلب بعضی از

طغوت - فطوت از طغیان - مانند فطوت - تقدم شدن کلمه بر من - فطوت - طغوت

← تقدم داشتن معمول :

✓ ایاک نعبد و ایاک نستعین *

✓ لالی ا... خردون *

اختصاص داشتن آنها به شهدات بسیار بر آنها می باشد .

✓ تکریر شهداء علی انبیا و اولی الامر و کلهم شهداء * در شهدات اول انبیا شهدات آنها است ولی در شهدات دوم

→ این جهاب کلمات برده و در شرح مفصل گفته : اختصاصی که یکی از شهدارند از سوم شدن رسول پیش کی آمد موخر است

✓ فاعل ا... مخلصا له الذین * ... ✓ بل ا... فاعله * استدلال این جهاب به اختصاص آن آیه اول چون

چون : ۱. در آیه اول مخلصا برای فاعله همراهی آورده (فقط خدا را پرستید) باید معنای آیه اول را بدید .

پس که اولی هم ماعنی برای مصدر است

۲. صبی زودتر که معنای که با مصدر گفته بدون مصدر هم نباید .

فقط جهاب مسافات دارد .

۳. بل از آیه اول آمده ✓ لکن انتم لیتعبدن عملک * ولی تشریح که با معنای خود مسامحتی زودتر که با مصدر اول است

نابغه که در آن است.

→ ابوحنان می‌تواند احتمال در آیه ✓ اَفْقَرًا... را سرزنش کند *
اولی بود که در صورت حضور معاش قابل قبول نیست، (آیا غیر خدا را نوحه بین اموی می‌بینیم؟) جواب: کسی که شرک بپوشد انظار خدا را

→ این حاجر صاحب کتاب الفک الدائر احتمال را در مورد خدا ✓ طاهودین و نوحا حنون من قبول * را دارد.
جواب: تقدیم معمول در اکثر موارد اناده حضور می‌کنند نه همه موارد.

→ شیخ بهاء الدین گفته: اختصاص در حد آن درک آیه جمع شده: ✓ اَغْرًا... بدعظ این رسم صادر است * بل ایاد
اگر گفته در تقدیم غیر اختصاص نیست ولی در تقدیم ایاد اختصاص است. جواب: در تقدیم غیر نیز اختصاص است.

→ شیخ تقی الدین پدر بهاء الدین در کتاب الاستقامت فی الفرق بین المکرر والاختصاص گفته: آنچه تقدیم معمول
انده حضور می‌کنند شهرت دارد ولی بعضی آنرا سفید احتمال و معاینه شرعی دانند مثل سیبویه.

فرق بین حضور و اختصاص: حضور ابیات مذکور و لغی غیر مذکور است ولی اختصاص ابیات حالتی همان است.